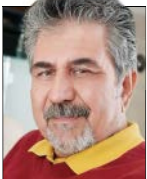


۲۵ نفر از هنرمندان، آثار نقاشی و نقاشیخط خود را با عنوان «تجلی نگاه» در کوشک باغ هنر به نمایش می‌گذارند.

این نمایشگاه باکیورتوری روح ا... منجزی، از ۲۲ تا ۲۷ تیر در کوشک باغ هنر در منطقه فرهنگی وگردشگری عباس‌آباد دایر خواهد شد و آثاری از بهمن بروجنی، اردشیر بروجنی، کامبیز برنجی، بهمن زارعیان، یاور بالسنی، منصور خیرخواه، اکبر احدی، بهداد نجفی اسداللهی، صابر سلیمانی، محمدعلی

«تجلی نگاه»

در کوشک باغ هنر



محمد موسی اکبری متولد سال ۱۳۴۰ در چنداول کابل
است که در سال ۱۳۶۰ از مکتب انصاری فارغ‌التحصیل و بعد از گذراندن امتحان‌های هنرهای زیبا در افغانستان وارد دانشکده
محمد دشتی
نویسنده و روزنامه‌نگار

مهاجرت به ایران در سال ۱۳۶۵ وارد دانشکده هنر شده و تحصیلات خود را با گرایش رشته گرافیک به پایان رسانده است. اکبری که به عنوان عکاسی حرفه‌ای فعالیت می‌کند، سه سال پیش با راه‌اندازی خانه کابل که آن را به اتفاق خانواده‌اش اداره می‌کند، معرفی مردم، فرهنگ و کشور افغانستان را به مراجعان به خانه کابل که در آن انواع غذاهای معروف افغانستانی سرو می‌شود، هدف قرار داده است. به بهانه ساخت مستند هرات؛ مهد هنر و تمدن و حضور در برنامه پیشواز شبکه چهار سیما (ویژه برنامه تحویل سال ۱۴۰۰) با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

مهاجرت به ایران در سال ۱۳۶۵ وارد دانشکده هنر شده و تحصیلات خود را با گرایش رشته گرافیک به پایان رسانده است. اکبری که به عنوان عکاسی حرفه‌ای فعالیت می‌کند، سه سال پیش با راه‌اندازی خانه کابل که آن را به اتفاق خانواده‌اش اداره می‌کند، معرفی مردم، فرهنگ و کشور افغانستان را به مراجعان به خانه کابل که در آن انواع غذاهای معروف افغانستانی سرو می‌شود، هدف قرار داده است. به بهانه ساخت مستند هرات؛ مهد هنر و تمدن و حضور در برنامه پیشواز شبکه چهار سیما (ویژه برنامه تحویل سال ۱۴۰۰) با او به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

ایران و افغانستان، دو کشوری که هر دو برای شما معنای وطن دارند، یکی زاده‌گاه شماست و دیگری کشوری که بیش از ۴۰ سال از عمر ۶۲ ساله خود را در آن گذرانده‌اید، ارتباط این دورا چگونه می‌بینید؟

در یک کلام باید بگویم که اصلا نمی‌تونیم افغانستان را از ایران با ایران راز افغانستان جدا کنیم. چون اگر مرادوات بین خودمان را در شکل کلان تر ببینیم و با پرهیز از مسائل و مرادوات سیاسی که ظاهرا ما را از هم جدا کرده است به امور نظر بیندازیم، این ارتباط و پیوند ناگستنی است. به طوری که می‌توان گفت هر چند شمشیر جغرافی مرزها را از هم جدا کرده است اما پیوندهای قلبی و ذهنی بین مردم ایران و افغانستان همچنان پابرجاست.

همین امروز اگر از سمت مشهد به سوی افغانستان حرکت کنید و خط مرزی بین دو کشور را در نظر نگیرید، احساس نخواهید کرد که وارد کشور دیگری شده‌اید. فرهنگ مشترک، گویش مشترک، پوشش مشترک و بسیاری از مشترکات دیگر آن چنان در هم تنیده‌اند که مسافر بین این دو مرز احساس ورود به کشور و خاکی دیگر را نخواهد داشت.

اما به نظر می‌رسد بیشتر مردم ما چنین حسی ندارند!
بله، همین‌طور است. بسیاری از دوستان ایرانی ماما زمانی که به افغانستان رفته‌اند، سوالات زیادی در ذهن دارند و معمولاً نگاهی دارند که با گام گذاشتن در کشور دوست و همسایه خود، خیلی تغییر می‌کند. معمولاً هم آنچه در

رسانه‌ها منتشر و یا بیان می‌شود، القای محیط وحشت در افغانستان و تمدنی است که وجود ندارد و چنین مسائلی به‌طور طبیعی اثر نامطلوب خود را بر ذهن و نگاه مخاطبان می‌گذارد. جالب است بگویم اکثر دوستان ایرانی ما که به افغانستان سفر می‌کنند، واقعا در آنجا زمینگیر و به نحوی نمک‌گیر می‌شوند. کتاب «جانستان کابلستان» نوشته دوست‌مان آقای رضا امیرخانی، مثال خوب و زنده‌ای برای این ادعای بنده است که ایشان با قلم شیوای خود ماجرای سفرش به افغانستان را روایت و تصویری واقعی و حقیقی را از کشور ما ماندگار کرده است. به‌رغم وجود چنین آثار و تلاش‌هایی که حداقل طی نیم‌قرن اخیر صورت گرفته است، در معرفی فرهنگ مشترک دو کشور ایران و افغانستان کم‌کاری و غفلت شده است و متأسفانه گاهی این کار مهم تبدیل به امری برای پرکردن زنگ تفریح رسانه‌ها شده است. به همین دلیل هم تجربه زیسته‌ام در ایران گویای این حقیقت است که رسانه‌ها نتوانسته‌اند نقشی را که درخصوص این گذشته، تاریخ، موارث فرهنگی و مشترکاتی که متعلق به ایران فرهنگی است را به درستی احصا، بازنامایی و ترویج کنند.

از دلایل شخصی و چرایی علاقه خودتان به ایران بگوئید.

اگر بخواهم از دلیل علاقه‌مندی خودم به ایران بگویم، می‌توانم اشاره کنم که از وقتی خودم را شناختم و بعدها وارد دنیای هنر شدم، تمامی کتاب‌ها و منابعی که از آن استفاده می‌کردم، کتاب‌هایی بود که از ایران آمده بود. شاید برای تان جالب باشد، زیرا وقتی که وارد افغانستان می‌شوید، خواهید دید به‌رغم همه مشکلات و ضعف‌هایی که هست، شناخت مردم افغانستان - حتی کسانی که به ایران نیامده‌اند - شناختی به نسبت کامل و جامع‌تر از شناخت مردم ایران نسبت به افغانستان است.

چرا؟

زیرا علاقه به ایران ریشه در فرهنگ و ادبیات مشترک بین دو کشور دارد. در افغانستان وقتی قرآن را می‌خواندند، بعد

سعیدی، پژمان متقیان، فیروزه بختیاری، سعید لزرجانی، ستار کریمی، منوچهر فخاریان، علیرضا قوجاری، مریم سلمان، یدا... تناور، سعید دولتی، کریمی قوجانی، حسین احصایی، علیرضا روح الامین، علیرضا سعادتمند، هانی شرار و روح... منجزی به نمایش در خواهد آمد.

منجزی، کیورتور این رویداد، هدف از برگزاری آن را گرد آمدن هنرمندان در کنار یکدیگر و تبادل افکار، اندیشه و ایده‌ها

و همچنین معرفی آثار آنها به بازار هنر عنوان کرد. این‌گونه برنامه‌های هنری عاملی برای رشد و توسعه هنرهای تجسمی در سطح جامعه است که تأثیر به‌سزایی در گردش چرخ اقتصاد هنر دارد.

این نمایشگاه پنجمینش ۲۲ تیر از ساعت ۱۷ افتتاح می‌شود و علاقه‌مندان برای بازدید از آن می‌توانند از ساعت ۱۰ تا ۱۷ به کوشک باغ هنر مراجعه کنند.

گفت‌وگو با محمدموسی اکبری، هنرمند عکاس و مدیر خانه کابل

آینده روشن در سایه تمدنی مشترک

از آن گلستان، بوستان و شاهنامه می‌خواندند و همین موضوع هم بحث می‌شد که زبان فارسی را به‌طور کامل یاد بگیرند.

ایران فرهنگی گستره پهناور جغرافیایی است که به‌رغم پراکنده شدن کشورهای آن حوزه، هنوز هم مشترکات زیادی را در جان خود دارد و سبب پیوند بین مردم این حوزه تمدنی می‌شود، کمی در این خصوص صحبت کنید. برای این‌که ایران فرهنگی را بررسی و درباره آن کنکاش کنیم نیازمند فرصتی بیشتر از یک گفت‌وگوی مطبوعاتی هستیم. اما به‌عنوان نمونه می‌توان گفت جایی مانند شهر هرات در مرز ایران، دربرگیرنده گنجینه مفاخر و آثاری است که بسیار می‌تواند به بازنامایی گذشته باشکوه مشترک دو کشور کمک کند.

به‌خصوص که در زمینه دوره اسلامی آثار بسیار غنی مربوط به دوره غوریان، دوره تیموریان و دوره سلجوقیان در افغانستان داریم، اما متأسفانه معرفی و شناخته نشده‌اند. مثلاً در مسجد جامع هرات می‌توان نمونه آثار سه دوره تاریخی غوریان، سلجوقیان و

تیموریان افغانستان را در کنار هم مشاهده کرد، چون در دوره تیموریان آثار معماری دوره‌های برجا مانده از قبل را از بین نبرده‌اند بلکه روی همان معماری، طاق دیگری زده‌اند و در بخش جدید آثار معماری خود را در کنار آثار دوره‌های قبل ساخته‌اند و این نشان از ارزش و احترامی داشت که دوره تیموریان به آثار پیش از خود قائل بودند. با مقدماتی که اجمالاً به آن اشاره کردم، شاید یکی از اتفاقاتی که می‌تواند به نزدیکی بین مردم ایران و افغانستان کمک کند، تورهای مشترک گردشگری بین دو کشور است که باز هم به دلیل نزدیکی هرات به مرز ایران و وجود آثار تاریخی و تمدنی فراوان، این شهر می‌تواند یکی از مقاصد اولیه برای این کار جذاب و اثرگذار باشد. تصورم این است که اگر ضمن احترام به مسائل و موضوعات سیاسی فی‌مابین، روابط فرهنگی بین دو کشور توسعه یابد، نگاه و تصویری که از مهاجران وجود دارد و متأسفانه

مقرون به حقیقت نیست، دگرگون خواهد شد.

چه اشتراکاتی وجود دارد که بتوان

با پرداختن به آن بیشتر خودمان

و تاریخ مشترک‌مان را به

ریشه‌های فرهنگی و ایران

فرهنگی گره بزنیم و موجب

نزدیکی بیشتر دو کشور و

دو ملت شویم؟

ما در حوزه‌های

مختلفی مانند

موسیقی، پوشش،

غذا، ادبیات،

دین، و مذهب

... مشترکات

زیادی با همدیگر

داریم که زمینه‌های

خوبی برای احیا و توسعه

روابط فرهنگی در جمهوری

اسلامی ایران است. به‌خصوص

که در حال حاضر هم بسیاری از

افغانستانی‌هایی که در ایران حضور

دارند در زمینه ادبیات، موسیقی،

شعر، هنرهای دستی و ... به نحوی

سرآمد بوده و می‌توانند به‌عنوان

سفیران فرهنگی بین دو کشور

تأثیرگذار و راهگشا باشند. به همین

دلیل اعتقاد دارم فرهنگ به‌عنوان

سرمایه‌ای مشترک و زوال‌ناپذیر،

می‌تواند به بازنامایی، شناخت و

بهره‌مندی از گذشته پر افتخار بین

دو کشور و ملت ایران و افغانستان

خیلی مؤثر و راهگشا باشد. اعتقاد

دارم که می‌توانیم به همدیگر کمک

کنیم و در سایه تاریخ تمدنی مشترک،

آینده بهتری را برای فرزندان خودمان

رقم بزنیم.

خانه کابل؛ خاستگاهی فرهنگی

خانه کابل مجموعه‌ای است که با خاستگاهی فرهنگی اتفاقا قصد و هدف اصلی‌اش، شناخت درست و دقیق‌تر همشهریان ایرانی ما نسبت به افغانستان است. گرچه در اینجا با غذاها و خوردنی‌های اصیل افغانستانی از همه مهمانان چه ایرانی و چه افغانستانی پذیرایی می‌کنیم اما کلاه معروف ما یعنی پکول و نمونه‌هایی از لباس هم هست.

ما نمایشگاه عکس و کتابخانه کوچکی داریم که در آن کتاب‌هایی در مورد تاریخ، ادبیات، فرهنگ، جغرافیا و ... افغانستان برای مطالعه مهمانان عرضه شده و ضمناً پاتوقی برای گپ‌وگفت و صحبت درباره موضوعات مختلف مورد علاقه مراجعه‌کنندگان به خانه کابل است. یعنی در حقیقت غذا بهانه است، گرچه اقتصاد آن را نمی‌توان نادیده گرفت اما واقعا دغدغه و هدف اصلی ما کار فرهنگی و ایجاد شناخت بیشتر نسبت به مردم، فرهنگ، ادبیات و دنیایی است که روزی در ایران فرهنگی، نزدیک و نزدیک‌تر از امروزمان بوده‌ایم.

خوشبختانه خبرهای خوبی هم داریم و می‌توانم بگویم طی سه ساله که از راه‌اندازی خانه کابل می‌گذرد به گواهی دوستان عزیزی که در رسانه‌های اجتماعی، محیط‌های حضوری، اظهار نظر کرده‌اند، شناخت بهتر و بیشتری در حوزه تاثیر این فضای فرهنگی، نسبت به مردم و کشور افغانستان ایجاد شده است.



چهار نفر از هنرمندان، آثار نقاشی و نقاشیخط خود را با عنوان «تجلی نگاه» در کوشک باغ هنر به نمایش می‌گذارند.

نگارخانه

نمایشگاه نقاشی «آسپا»

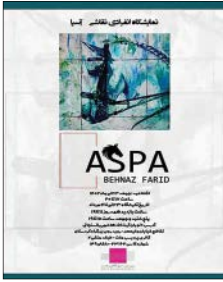
در گالری ملت

نمایشگاه انفرادی نقاشی «آسپا» به کوشش وگردآوری بهناز فرید روز جمعه ۲۲ تیر در گالری پردیس ملت برگزار می‌شود.

بهناز فرید که تجربه برگزاری چند نمایشگاه گروهی نقاشی را داشته ، درباره آسیا می‌گوید: آسیا در ریشه شناسی پارسی باستان، اسب

است. موجودی که طی تاریخ بهترین یاور انسان به شمار می‌رفت. اسب در متون ادبی نیز پیوندی ناگسستنی با زندگی دارد، چه در تجلی مقدس مینوی‌اش همراه با ایزدان و چه در تجلی خاکی و زمینی‌اش.

مجموعه آسیا تجربه هم‌زیستی سالیان عمر هنرمندی است که در قربات این باشندگان مقدس و افسانه‌ای در شکل ناخودآگاه (اسطوره) و خودآگاه (خرد) گام برداشته است. این مجموعه یادآور آفرینش تمدنی است در فلات ایران که با پیوند این دو امر یادواره‌ای از هم‌زیستی انسان و این باشنده مقدس یعنی اسب، جلوه‌ای جاودانه را در خاطره می‌سازد. نمایشگاه آسیا روز جمعه ۲۳ تیر ۱۴۰۲ از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در گالری پردیس ملت افتتاح می‌شود و تا ۴ مرداد ادامه دارد.



دیدار با حسین نوری

هنرمند جانباز

حسین نوری، هنرمند جانباز

و شناخته‌شده رشته‌های نقاشی، سینما

و تئاتر است که در قالب برنامه «درگه

اهل هنر» مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی با این هنرمند

جانباز دیدار و گفت‌وگو کرد. در این

دیدار، ابتدا مستندهایی از فعالیت‌های

حسین نوری و همسرش، نادیا مفتونی

(استاد تمام دانشکده الهیات و معارف

اسلامی دانشگاه تهران- به نمایش

درآمد. سپس مدیرکل هنرهای تجسمی

در سخنانی ضمن تجلیل از مجاهدت

و ازخودگذشتگی‌های همسر حسین نوری

طی سال‌های متماد به زندگی مشترک

با این هنرمند جانباز پرداخت.



نمایشگاهی از کشتار مسلمانان اروپا

نمایشگاه عکس «یازخوانی یک فاجعه» آثار ژیل پرس، عکاس فرانسوی امروز ۲۰ تیرماه در گالری شماره یک خانه عکاسان افتتاح می‌شود. این نمایشگاه بخشی از آثار ژیل پرس، عکاس فرانسوی از جنگ بوسنی است که کشتار مسلمانان را در قلب اروپا

روایت می‌کند.

ژیل پرس مجموعه آثار یازخوانی یک فاجعه را که در سپتامبر ۱۹۹۳ به مدت سه ماه در جنگ بوسنی حضور داشته، ثبت کرده است و از شهرهای توزلا، موستار و سارایوو و بوسنی مرکزی، تصاویری تلخ را از پناهندگان، کسانی که پشت سر مانده بودند، مجروحان و کشته‌شدگان بوسنی به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه امروز ساعت ۱۷ در «گالری شماره یک خانه عکاسان ایران» افتتاح می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند از فردا، ۲۱ تیر تا ۲۰ مرداد در روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۹ در گالری شماره یک خانه عکاسان ایران در حوزه هنری انقلاب اسلامی، خیابان سمیه، تقاطع خیابان حافظ از این آثار دیدن کنند.